

Analysis of Policy Basics of Imam Ali (AS) in the letter 64 Nahj al-Balaghah by Modeling the Fairclough Method “Critical Discourse Analysis”

Seyyed Mohammad Muosavi Bafroei¹

Ahmad Zarezardini²

Hasan Zarei Mahmmodabadi³

Fatemeh Esna Ashari⁴

Abstract

Critical discourse analysis is an applied method of textual analysis. It does not rely on text data for analysis only; rather, it has stepped beyond it and explores the emergence of the intellectual and authorial abstracts behind the text. The problem of the present research is extracting Imam Ali's policy principles in letter 64 of Nahj al-Balagha, which corresponds to the first letter of mu'awiyah, using the method of critical discourse analysis of Fairclough at descriptive, interpretive and explanatory levels. The purpose of this research is to better understand the political ideas embedded in the textbooks. The findings indicate that: Mu'awiyah tries to use some of the events in his letter as a caliph to legitimize the rule of Imam Ali (AS) and give legitimacy to his government, and the Imam (AS) firstly thwarted the conspiracies of the other side. He then relied on the original axes of legitimacy. This is the reason why the Imam emphasized the original axes and their limitations. The letter of the Imam corresponds to the letter of Mu'awiyah.

Keyword

Imam Ali (AS), Sixty-four letter of Nahj al-Balagha, Mu'awiyah, Critical Discourse Analysis, Fairclough.

Citation: Muosavi Bafroei, M., Zarezardini, A., Zarei Mahmmodabadi, H., Esna Ashari, F (2020) Analysis of Policy Basics of Imam Ali (AS) in the letter 64 Nahj al-Balaghah by Modeling the Fairclough Method “Critical Discourse Analysis”. *Bi-quarterly Scientific Journal of Studies on Understanding Hadith*. Vol. 7, No. 1 (Serial. 13), pp.207-229. (In Persian)

1. Responsible Author, Associated Professor of Department of Quran and Hadith, Meybod University. Email: muosavi@meybod.ac.ir

2. Associated Professor of Department of Quran and Hadith, Meybod University. Email: zarezardini@meybod.ac.ir

3. Assistant Professor of Department of Iranian Studies, Meybod University. Email: h.zarei@meybod.ac.ir

4. Ph.D Student, Nahj al-Balagheh, Meybod University. Email: fateme.esnaashari@yahoo.com

Received on: 09/02/2020

Accepted on: 21/09/2020

تحلیل مبانی سیاست‌ورزی امام علی (ع) در نامه ۶۴ نهج البلاغه با الگوگیری از روش فرکلاف (تحلیل گفتمان انتقادی)

سیدمحمد موسوی بفرونی^{*۱}
احمد زارع زردینی^۲
حسن زارعی محمودآبادی^۳
فاطمه اثنی عشری^۴

چکیده

تحلیل گفتمان انتقادی، یک روش کاربردی در تحلیل متون است و تنها به داده‌های متن اکتفا نمی‌کند بلکه پا را فراتر از آن گذاشته و به کشف و ظاهرسازی تراوشات فکری نویسنده و گوینده که در پس متن نهفته‌اند پرداخته است. مسأله پژوهش حاضر استخراج مبانی سیاست‌ورزی امام علی (ع) در نامه ۶۴ نهج البلاغه که متناظر به اولین نامه معاویه است با استفاده از روش تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف در سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین است. هدف از این پژوهش، پی بردن هرچه بهتر به اندیشه‌های سیاسی نهفته در متن نامه است. یافته‌های به دست آمده بیانگر این است که: معاویه در نامه خود تحت عنوان خلیفه با استفاده ابزاری از برخی حوادث، سعی دارد از حکومت امام علی (ع) مشروعیت‌زدایی کند و به حکومت خود مشروعیت بخشد و امام (ع) در مقابل، ابتدا توطئه‌های طرف مقابل را خنثی کرده سپس بر محورهای اصیل و محدود مشروعیت تکیه کرد و علت تأکید امام بر محورهای اصیل و محدود بودن آن‌ها این است که نامه ایشان متناظر و متناسب با نامه معاویه نوشته شده است.

کلیدواژه‌ها

امام علی (ع)، نامه ۶۴ نهج البلاغه، معاویه، تحلیل گفتمان انتقادی، فرکلاف.

استناد: موسوی بفرونی، سیدمحمد؛ زارع زردینی، احمد؛ زارعی محمودآبادی، حسن؛ اثنی عشری، فاطمه (۱۳۹۹). تحلیل مبانی سیاست‌ورزی امام علی (ع) در نامه ۶۴ نهج البلاغه با الگوگیری از روش فرکلاف (تحلیل گفتمان انتقادی)، دوفصلنامه علمی مطالعات فهم حدیث، ۷(۱)، ۲۰۷-۲۲۹. صص ۲۰۷-۲۲۹.

۱. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه میبد، (نویسنده مسئول). muosavi@meybod.ac.ir

۲. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه میبد. zarezdini@meybod.ac.ir

۳. استادیار گروه ایران‌شناسی، دانشگاه میبد. h.zarei@meybod.ac.ir

۴. دانشجوی دکتری علوم و معارف نهج البلاغه، دانشگاه میبد. fateme.esnaashari@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۱/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۶/۳۱

۱. طرح مسأله

امروزه «تحلیل گفتمان انتقادی» یک روش برای فهم و تحلیل متون است که در حوزه مسائل دین‌شناسی و دین‌پژوهی مورد استقبال برخی از محققان قرار گرفته است و هدف آن، دستیابی به اندیشه‌های پنهان مؤلف در پس متن است و این اندیشه‌ها تنها به وسیله توصیف داده‌های زبانی متن به دست نمی‌آیند بلکه باید زمینه‌های دیگری از قبیل: شرایط اجتماعی، فرهنگی و سیاسی را به منظور فهم هرچه بهتر مقاصد نهفته در متن، مورد توجه قرار داد (فرکلاف، ۱۳۷۹ش، ۸۷).

یکی از اندیشمندان تحلیل گفتمان انتقادی، نورمن فرکلاف است، در نگاه وی، تحلیل گفتمان انتقادی، روشی است که در کنار سایر روش‌ها برای بررسی تغییرات اجتماعی و فرهنگی به کار گرفته می‌شود. او معتقد است کاربرد زبان معمولاً در عین حال که سازنده هویت‌های اجتماعی، روابط اجتماعی و نظام‌های دانش و باورها است، توسط آن‌ها نیز ساخته می‌شود (همان، ۱۱۹). تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف یک نظریه نو در بررسی متون و کشف ناگفته‌ها در پس متن است که سه سطح دارد. الف- توصیف: بررسی ویژگی‌های صوری متن و چگونگی تأثیر آن‌ها در بیان اندیشه‌ها است. ب- تفسیر: بررسی شرایط سیاسی و اجتماعی محیط در شکل‌گیری متن و این‌که چه کسی در چه زمانی با چه هدفی این‌گونه سخن گفته است. ج- آخرین مرحله تبیین است که به بررسی رابطه متقابل زبان و جامعه می‌پردازد.

بنابراین مقاله حاضر برآن است تا با استفاده از روش تحلیل گفتمان انتقادی نورمن فرکلاف که هدف آن چگونگی استخراج اندیشه‌های سیاسی و اجتماعی است در فهم و تحلیل نامه ۶۴ نهج البلاغه که در جواب نامه معاویه نوشته شده است پردازد و بر این اساس پژوهش حاضر، جواب به سه سؤال را مد نظر دارد. اول آن‌که بررسی متن نامه معاویه و نامه امام علی (ع) بر پایه روش فرکلاف چه نتایجی را در شناخت (توصیف) دقیق‌تر و عمیق‌تر سطح زبان این نامه به دنبال دارد؟ دوم این‌که این روش چه نتایجی را در تفسیر و فهم بهتر متن نامه به ارمغان می‌آورد؟ و سوم این‌که مفاد و محتوای این نامه را چگونه می‌توان تبیین نمود؟

بررسی‌ها نشان می‌دهد از این روش در مطالعات مربوط به نهج البلاغه نیز استفاده شده است. اولین آن‌ها مقاله «تحلیل گفتمان نامه دهم نهج البلاغه بر اساس الگوی فرکلاف» (صیادی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۸) است. مؤلف در این مقاله با استفاده از تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف سعی دارد چگونگی سلطه و نابرابری را از دیدگاه امام علی (ع)

مورد نقد و بررسی قرار دهد. دیگری مقاله «تحلیل گفتمان انتقادی نامه امام علی علیه‌السلام به معاویه» (صفایی و همکاران، ۱۳۹۵ش) است که نامه ۲۸ نهج البلاغه را با به‌کارگیری گرامر هالیدی، از نظر سه نقش اندیشگانی، میان فردی و متنی بررسی می‌کند و سپس روی نتایج حاصل از گرامر هالیدی، تحلیل انتقادی را انجام می‌دهد. سومین مقاله «بررسی گفتمان انتقادی در نهج البلاغه بر اساس نظریه نورمن فرکلاف (مطالعه موردی توصیف کوفیان)» (محسنی و همکاران، ۱۳۹۴ش) است که با هدف فهم دقیق اندیشه‌های سیاسی و اجتماعی امام (ع) نوشته شده است.

اثر دیگری تحت عنوان «تحلیل گفتمان نامه‌های حضرت علی علیه‌السلام به فرمانداران (مطالعه موردی نامه‌های کوتاه)» (کریمی، ۱۳۹۲ش)، نگارنده در این پژوهش به تحلیل و بیان دیدگاه نورمن فرکلاف که معتقد است؛ تحلیل گفتمان دیگر، صرفاً با بافت صرفی نحوی و لغوی تشکیل‌دهنده‌ی جمله سروکار ندارد بلکه فراتر از آن به عوامل بیرون از متن، یعنی بافت موقعیتی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و ... سروکار دارد، در نامه‌های کوتاه می‌پردازد.

در این زمینه هم‌چنین می‌توان به مقاله «صورت‌بندی گفتمانی خطبه ۲۱۶ نهج البلاغه (بازتولید نظریه بقا و زوال حاکمیت از منظر علی (ع))» (ولوی و همکاران، ۱۳۹۵ش) اشاره کرد و هدف نویسنده شناسایی الگوی هرم گفتمانی نقد حاکمیت در این خطبه است و سعی دارد رابطه حکومت و مردم را در اندیشه‌های سیاسی امام علی (ع) نشان دهد. هم‌چنین مقاله «بررسی قدرت و ایدئولوژی در نهج البلاغه با رویکرد گفتمان انتقادی فرکلاف» نوشته (نعمتی و همکاران، ۱۳۹۴ش) است که نویسنده در این پژوهش به بررسی روابط قدرت و ایدئولوژی در نامه ۵۳ نهج البلاغه بر اساس تحلیل فرکلاف در سطح توصیف می‌پردازد و نتیجه می‌گیرد که قدرت امام برگرفته از عقیده و ایمان راسخ به خداوند بوده است. اثر دیگری در این زمینه رساله‌ای است تحت عنوان «تحلیل گفتمان انتقادی خطبه‌های سیاسی با تکیه بر رویکرد فرکلاف (موردپژوهی دوره‌ی اسلامی تا پایان عصر عباسی اول)» (جعفری، ۱۳۹۵ش)، مؤلف در پژوهش حاضر به بررسی و تحلیل روش فرکلاف در مجموعه‌ای از خطبه‌های سیاسی به ویژه خطبه شقشقیه و خطبه جهاد امام علی (ع) پرداخته است زیرا مؤلف به دنبال فهم جدیدی از مطالب است که در بطن خطبه‌ها پنهان بوده‌اند، که در ادامه پس از اشاره به مبانی بحث، به تحلیل و بررسی آن در متن نامه‌ها پرداخته می‌شود.

۲. تحلیل گفتمان انتقادی نورمن فرکلاف

تحلیل گفتمان^۱ کہ در زبان فارسی بہ «سخن کاوی، تحلیل کلام، تحلیل گفتار» ترجمہ شدہ است، یک گرایش مطالعاتی بین رشتہ‌ای است کہ از اواسط دہہ ۱۹۶۰م تا اواسط دہہ ۱۹۷۰م در پی تغییرات گستردہی علمی- معرفتی در رشتہ‌های مختلفی ظہور کردہ و خیلی زود بہ عنوان یک روش تحقیق کیفی مورد توجہ قرار گرفت، این روش دارای انواع مختلفی است و یکی از مہم ترین آن‌ها «تحلیل گفتمان انتقادی» است کہ تمرکز خاصی بر چرایی و چگونگی استفادہ از زبان در شرایط مختلف دارد و بہ بررسی پدیدہ‌های زبانی و اعمال گفتمانی و یا تأثیرات اجتماعی می‌پردازد (فرکلاف، ۱۳۷۹ش، ۱۰-۱۲).

نورمن فرکلاف^۲ کہ از ابتدای شکل‌گیری تحلیل گفتمان انتقادی از چہرہ‌های فعال آن بودہ است، مشہورترین و جامع‌ترین نظریہ را در این زمینہ مطرح کردہ است. وی تحلیل گفتمان انتقادی را تلفیقی از تحلیل متن، تحلیل فرآیندہای تولید، مصرف و توزیع متن، تحلیل اجتماعی- فرهنگی رخداد گفتمانی بہ عنوان یک کل (اعم از مصاحبہ، مقالہ‌ی علمی و یا مکالمہ) می‌داند (ہمان، ۱۹). بنابراین در تحلیل گفتمان انتقادی مواردی فراتر از ظاہر متن و نوشتار مورد بررسی قرار می‌گیرد و ہدف آن کشف ایدہ‌ها و تراوشات فکری گویندہ یا نویسنندہ است بہ دلیل آن کہ بین زبان و ساختار جامعہ، رابطہ متقابل و دیالکتیک برقرار است.

بنابراین پس از بیان مبانی مفہومی و نظری روش فرکلاف، ابتدا بہ تحلیل نامہ معاویہ بر اساس روش تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف و سپس نامہ ۶۴ نہج البلاغہ کہ در جواب نامہ معاویہ آمدہ است پرداختہ می‌شود.

۳. تحلیل نامہ معاویہ

در کتاب ابن قتیبہ نقل شدہ است نامہ‌ی مورد نظر، پس از جنگ جمل و نامہ‌نگاری‌های معاویہ و شرحبیل نوشتہ شدہ است زیرا شرحبیل و اشراف حمص با معاویہ بہ عنوان خلیفہ بیعت کردہ بودند و معاویہ پس از آن تحت عنوان خلیفہ شام و بہ خیال آن کہ کار تمام شدہ است برای امام علی (ع) این نامہ را می‌نویسد. البتہ باید یادآور شد این نامہ، نخستین جوابی است کہ معاویہ پس از انتخاب و بیعت مہاجرین و انصار در سال ۳۶ہ بہ سوی امام فرستادہ است و در آن تحت عنوان خلیفہ اللہ ادعائیی را مطرح کردہ و

1. Discourse Analysis.
2. Norman Fairclough.

هدفش تنها مشروعیت‌زدایی از حکومت امام علی (ع) بوده است^۱ (ر.ک: دینوری، ۱۴۱۰ق، ۱: ۹۷-۹۸؛ زکی‌صفوت، بی‌تا، ۱: ۳۶۴؛ امینی، بی‌تا، ۱۰: ۳۹۹؛ احمدی‌میانجی، ۱۴۲۶ق، ۱: ۲۹۹) که در ادامه به بررسی آن‌ها بر اساس روش تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف پرداخته می‌شود.

۳-۱. تحلیل نامه در سطح توصیف

این مرحله، مرحله‌ای است که به ویژگی‌ها و محتوای ظاهری متن ارتباط دارد در این مرحله، فرکلاف در کتاب خود ده سؤال را در زمینه‌های کاربرد واژگان، گرامر و منابع متنی به همراه نمونه مثال‌هایی مطرح می‌کند زیرا هدف آن بررسی رابطه زبان و قدرت است و در پی آن است تا نشان دهد گویندگان چگونه با استفاده از واژگان، خواه ناخواه اهداف سیاسی و اجتماعی خود را بیان می‌کنند (فرکلاف، ۱۳۷۹ش، ۱۶۸-۱۶۹؛ یورگنسن، ۱۳۸۹ش، ۶۶).

الف- واژگان و عبارات

در نامه واژگانی مانند: «اللَّهِ، اتَّبِعِ، الْهُدَى، يَدَا جَامِعَهُ، عَادَاكَ، قَتَلْتَ، أَطْلَعَكَ، شَرَّدْتَ، بَيْنَ الْمِصْرَيْنِ، تَمَنَيْتَ، الدُّنْيَا، بِخَيْلِهَا، رَجَلِهَا، زُرْتُكَ، الْمُهَاجِرِينَ، بَقِيَّةَ الْإِسْلَامِ، فَيَحِيطُونَ» (خدا، پیروی کردن، هدایت، جامعه واحد، دعوت کردن، کشتن، اطاعت کردن و...) استفاده شده است که می‌توان موضوع نامه را مسائل سیاسی و اعتقادی معرفی کرد، از طرفی نیز وجود برخی از واژگان دارای بار معنایی متضاد «بَخِيلِهَا وَرَجَلِهَا» (فرکلاف، ۱۳۷۹ش، ۱۷۷) بیانگر شروع جنگ روانی معاویه علیه امام (ع) است زیرا واژه «خَیْل» در اصل به معنی گمان کردن است و به رمه اسب اطلاق می‌شود و البته مجازاً به اسب‌سواران گفته می‌شود (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ۱۱: ۲۲۶) و معنی کثرتی دارد که توهمی

۱. نامه معاویه: «سَلَامُ اللَّهِ عَلَى مَنْ اتَّبَعَ الْهُدَى، أَمَا بَعْدُ، فَإِنَّا كُنَّا نَحْنُ وَإِيَّاكُمْ يَدَا جَامِعَةً، وَالْفَلَةَ الْيَفَّةَ، حَتَّى طَمَعْتَ يَا ابْنَ أَبِي طَالِبٍ فَتَغَيَّرْتَ، وَأَصْبَحْتَ تُعِدُّ نَفْسَكَ قَوِيًّا عَلَى مَنْ عَادَاكَ، بَطْنَامِ أَهْلِ الْحِجَازِ، وَأُوبِاشِ أَهْلِ الْعِرَاقِ، وَحَقْمَى الْفُسْطَاطِ، وَغَوْعَاءِ السَّوَادِ، وَأَيْمِ اللَّهِ، لَيَنْجَلِيَنَّ عَنْكَ حَقْمَا، وَلَيَنْقَشَنَّ عَنْكَ غَوْعَاؤُهَا انْقِشَاعَ السَّحَابِ عَنِ السَّمَاءِ. قَتَلْتَ عُثْمَانَ بْنَ عَفَّانَ، وَرَقِيتَ سُلَيْمًا، أَطْلَعَكَ اللَّهُ عَلَيْهِ مَطْلَعِ سُوءِ عَلَيْهِ لَكَ. وَقَتَلْتَ الزُّبَيْرَ وَطَلْحَةَ، وَشَرَّدْتَ بِأَمْرِكَ عَائِشَةَ، وَنَزَلْتَ بَيْنَ الْمِصْرَيْنِ، فَمَنَيْتَ وَخَيْلَ لَكَ أَنَّ الدُّنْيَا قَدْ سُخِّرَتْ لَكَ بِخَيْلِهَا وَرَجَلِهَا، وَإِنَّمَا تَعْرِفُ أَمْنِيَّتَكَ لَوْ قَدْ زُرْتُكَ فِي الْمُهَاجِرِينَ مِنْ أَهْلِ الشَّامِ بَقِيَّةَ الْإِسْلَامِ، فَيَحِيطُونَ بِكَ مِنْ وَرَائِكَ، ثُمَّ يَقْضِي اللَّهُ عِلْمَهُ فَيْكَ، وَالسَّلَامُ عَلَى أَوْلِيَاءِ اللَّهِ» (دینوری، ۱۴۱۰ق، ۱: ۹۷-۹۸؛ زکی‌صفوت، بی‌تا، ۱: ۳۶۴؛ امینی، بی‌تا، ۱۰: ۳۹۹؛ احمدی‌میانجی، ۱۴۲۶ق، ۱: ۲۹۹)

است و در واقع به آن تعداد منظور نمی‌رسد و لذا آمدن «خیل» به مفهوم این است که افراد تو اگرچه زیاد هستند اما در واقع توانایی انجام کارهای بزرگ را ندارند و به اهداف بزرگ نخواهند رسید و البته این معنی آنجا تحقق کاملتر می‌یابد که با واژه «رجل» همراه شده است زیرا «رجل» در این متن، همنشین «خیل» شده و به معنای مردم فرومایه است و از این نظر طرفداران امام (ع) را تحقیر نموده و افراد خود را عظمت بخشیده است زیرا هدفش بی‌خود دانستن حکومت امام بوده است.

هم‌چنین عبارت: «سَلَامُ اللَّهِ عَلٰی مَنْ اَتَّبَعَ الْهُدٰی»؛ (سلام خداوند بر کسی که راه راست را پیروی کند) در ابتدای نامه نشان می‌دهد معاویه به عنوان خلیفه‌الله و الگوگیری از بیان پیامبرگونه سعی داشته است خود را کنترل و پایبند به اعتقادات اسلامی نشان دهد و چیزی خلاف واقع نگوید اما در ادامه، کنترل خود را از دست داده و از عبارت: «بَطْغَامِ اَهْلِ الْحِجَازِ، وَ اُوْبَاشِ اَهْلِ الْعِرَاقِ، وَ حَقْمٰی الْفُسْطَاطِ، وَ غَوَاةِ السَّوَادِ»؛ (اراذل اهل حجاز و اوباش اهل عراق و احمق‌های فسطاط (مصر) و عوام و هوچی بازهای جنوب عراق) استفاده کرده است و این عبارات نیز نشان از آغاز جنگ روانی علیه امام (ع) است زیرا معاویه قصد دارد به این وسیله حکومت و پایگاه خلافتی امام علی (ع) را تضعیف و از اقتدار و مشروعیت طرف مقابل خود بکاهد و در مقابل، خلافت خود را از این طریق تثبیت و محکم کند.

معاویه در ادامه با استفاده از تشبیه در عبارت: «وَ اَیْمُ اللَّهِ، لَیَجْلِبَنَّ عَنكَ حَمَقَاهَا، وَ لَیَنْقَشَنَّ عَنكَ غَوَاوُهَا انْقِشَاعَ السَّحَابِ عَنِ السَّمَاءِ»؛ (به خدا قسم آن احمق‌ها و آن عوام و هوچی‌بازها را هنگام کارزار از دور می‌کنم هم‌چون ابری که از آسمان پراکنده می‌شود)، قصد دارد قدرت خود را به رخ امام بکشد. او در این عبارت، خود را بسان تندبادی می‌داند که می‌تواند ابرها (اهل عراق، حجاز) را پراکنده کند. هدف معاویه از بیان این عبارت، نشان دادن قدرت خود در به هم ریختن اوضاع است که توانایی متفرق کردن و شوراندن یاران امام را دارد از طرفی لفظ «انقشاع» و تکرار آن که در اصل به معنای کنده شدن از جایی و پراکنده شدن است می‌تواند تأکیدی بر مفهوم مورد نظر باشد (بستانی، بی‌تا، ۱۱۳)، هم‌چنین استفاده از حروف ندا و نون مشدد در عبارات نیز خبر از قطعیت انجام عمل و سخت بودن و جدی بودن آن را نشان می‌دهد.

معاویه در انتهای نامه نیز با استفاده ابزاری از برخی حوادث «قَتَلَتْ عُثْمَانَ بْنَ عَفَّانَ، وَ رَقِیَّتَ سُلَیْمًا»؛ (عثمان بن عفان را کشتی و خود جان سالم به در بردی)، «نَزَلَتْ بَیْنَ الْمِصْرَیْنِ»؛ (و در بین‌النهرین اقامت گزیدی) قصد دارد به تحریف عقاید، تضعیف

روحیه، بی اعتبار کردن انگیزه‌ها و از اقتدار طرف مقابل بکاهد. معاویه ضمن مقصر دانستن امام در قتل عثمان قصد دارد به مخاطبان بفهماند که امام در اولین جنگ خود با ناکثین و ام‌المؤمنین عملی را مرتکب شده است که دیگر روی برگشتن به مدینه و توان رویارویی با مردم را نداشته، پس کوفه را مرکز خلافت خود قرار داده است. او همچنین با استفاده از عبارت: «فَمَنِّيَّتَ وَ تَمَنِّيَّتَ، وَ خِيْلَ لَكَ اَنَّ الدُّنْيَا قَدْ سُخِّرَتْ لَكَ بِخِيْلَهَا وَ رَجْلِهَا»؛ (و به دیگران و به خود، امیدهای واهی دادی و تصور کردی دنیا همه مردان جنگی خود را زیر فرمانت آورده است) امام علی (ع) را مورد اتهام قرار می‌دهد که رسیدن به خلافت جزو آرزوهای دیرینه ایشان بوده است و حال گمان کرده است که این مقام را به دست آورده در صورتی که تنها خود را گول زده است.

از طرفی نیز توجه به انواع جملات در نامه نشان می‌دهد تمام جملات به غیر از جمله اول: «فَاِنَّا كُنَّا نَحْنُ وَ اِيَّاكُمْ يَدًا جَامِعَةً، وَ اُلْفَةً اَلَيْفَهُ حَتَّى طَمَعْتْ يَا اِبْنَ اَبِي طَالِبٍ فَتَغَيَّرَتْ»؛ (ما و شما قدرت واحد و جمع متحدی بودیم تا این‌که ای پسر ابی طالب طمع کردی و تغییر یافتی) با جمله فعلیه شروع می‌شوند و هدف نویسنده در جمله اسمیه که دارای بار معنایی اقناعی و تأکیدی است (وجود چند حرف تأکید و مفعول مطلق) تأکید بر وحدت و یکپارچگی این دو قوم است که شخص خاصی (امام علی (ع)) عامل جدایی بین آن‌ها شده است، در مقابل استفاده بیش از حد از افعال ماضی در برابر افعال مضارع این است که معاویه چاره‌ای جز تأکید به زمان گذشته و بیان برخی از حوادث نداشته است زیرا اگر به زمان حال اشاره کند واضح است که خلیفه عوض شده و دستور عزل او را صادر کرده است پس باید به زمان گذشته اشاره کند.

درباره مثبت و منفی بودن عبارات می‌توان گفت: تمام جملات و عبارات به صورت مثبت به کار رفته‌اند و ایجابی بودن جملات می‌تواند نشانه قدرت شخص نویسنده یا گوینده و به رخ کشیدن باشد و از جملات منفی تنها در عبارت: «أُطْلِعُكَ اللّٰهُ عَلَيْهِ مَطْلَعِ سُوِّ عَلِيٍّ لَا لَكَ»؛ (به زودی خداوند تو را بر امر ناگواری آگاه خواهد کرد که بر زبان تو باشد و نه به سود تو) استفاده شده است و معاویه قصد دارد به امام بفهماند تمام کارهایی را که تا کنون انجام داده‌ای به تو نفعی نمی‌رساند که بماند بلکه باعث ضرر و نابودی تو می‌شوند مانند: ۱- ابتدا باعث ایجاد تفرقه بین دو گروه شده‌ای ۲- این‌که در به دست آوردن قدرت و حکومت طمع کردی و آن را توسط اهل حجاز و عراق به دست آوردی. ۳- عثمان را کشتی. ۴- طلحه و زبیر را نیز در جنگ جمل به قتل رساندی. ۴- عایشه ام‌المؤمنین را آواره کردی. ۵- مرکز حکومت نبی خدا را از مدینه به کوفه منتقل

کردی، و اما در خصوص معلوم بودن تمام افعال، نویسنده قصد دارد از این طریق قدرت خود را نشان دهد و این که هیچ گونه ترس و ابهامی در بیان مطالب ندارد.

ب- انسجام

در تحلیل گفتمان انتقادی، مراد از انسجام یعنی کاربرد انواع مختلف ضمایر در متن است (فرکلاف، ۱۳۷۹ ش، ۱۹۹). قبل از تحلیل انواع ضمایر باید یادآور شد، معاویه در ابتدای نامه با استفاده از ضمیر (ما، شما) ۱- ابتدا در پی نشان دادن هویتشان است که بنی هاشم و بنی امیه از یک قبیله بوده‌اند ۲- و یا ممکن است او در صدد برساختن نگاهی با محوریت عدم وجود خصومت بین این دو قوم باشد ۳- و یا قصد بیان هم‌گرایی و اتحاد سیاسی بین دو گروه را دارد. معاویه در ادامه با استفاده از ضمیر (تو) به تقویت گفتمان خود و تضعیف موقعیت امام می‌پردازد، از طرفی معاویه با تکرار این ضمیر، قصد طبیعی سازی حوادث و وقایع را دارد. این احتمال نیز وجود دارد که معاویه قصد مظلوم‌نمایی دارد که بله من در هیچ یک از این موارد دخالت نکرده‌ام یا می‌تواند نشان از بی مسئولیتی نویسنده باشد که قبل از تفحص و جست‌وجو برای راحتی کار خود، انگشت اتهام را به سوی یک شخص اشاره رفته است.

معاویه در عبارات پایانی نیز با استفاده از ضمیر (من) قصد دارد خود را به عنوان والی و خلیفه معرفی کند که دارای یک سپاه بزرگ بوده است: «لَوْ قَدْ زُرْتُكَ فِي الْمُهَاجِرِينَ مِنْ أَهْلِ الشَّامِ بَقِيَّةَ الْإِسْلَامِ، فَيَحْيِطُونَ بِكَ مِنْ وَرَائِكَ» (آرزو مندم که تو را در میان مهاجران شام که باقی مانده نسل اول اسلامند ببینم که تو را به محاصره در آورده‌اند) و این که به امام هشدار دهد و او را تهدید کند که هیچ وقت قصد آمدن به شام و یا قصد حمله به آن جا را نکند.

یکی دیگر از عوامل انسجام معنایی بین عبارات، استفاده از تکرار و اشتقاق در عبارات: «أَلْفَهُ أَلِفُهُ، لِيَنْقَشِعَنَّ عَنْكَ غَوْغَاؤُهَا انْقِشَاعَ السَّحَابِ عَنِ السَّمَاءِ، أَطْلَعَكَ اللَّهُ عَلَيْهِ مَطْلَعِ سُوءٍ عَلَيْكَ لَا لَكَ، فَمَنْيَّتْ وَتَمَنْيَّتْ» است که علاوه بر نظم آهنگ بودن قسمت‌هایی از متن نامه، خبر از اهمیت موضوع مورد نظر نویسنده می‌دهند که آن‌ها را مورد تأکید قرار داده است.

۲-۳. تحلیل نامه در سطح تفسیر

در سطح تفسیر، فرآیندهای مؤثر در تولید نامه و استفاده از آن به‌عنوان یک عمل گفتمانی

و ارتباط آن با گفتمان‌های دیگر بررسی می‌شود از مهم‌ترین ابزارهای تحلیل در سطح تفسیر، بافت موقعیتی گفتمان، نوع گفتمان و بینامتنیت است (فرکلاف، ۱۳۷۹ش، ۲۱۵) که در همین راستا به بازسازی بافت موقعیتی و مسائل دیگر پرداخته می‌شود. همان‌طور که قبلاً بیان شد این نامه، اولین نامه‌ای است که از طرف معاویه پس از جنگ جمل و کشته شدن طلحه و زبیر و اعزام عایشه به مدینه و مستقر شدن امام علی (ع) در کوفه نوشته شده است (زکی صفوت، بی‌تا، ۱: ۳۶۴؛ امینی، بی‌تا، ۱: ۳۹۹؛ احمدی میانجی، ۱۴۲۶ق، ۱: ۲۹۹؛ دینوری، ۱۴۱۰ق، ۱: ۹۹) و تا آن روز که امام نزدیک به سه نامه به سوی او جهت بیعت گرفتن فرستاده بود و معاویه به هیچ‌کدام از آن‌ها پاسخی نداده بود، زیرا او علاوه بر بی‌توجهی به حضرت و کوچک شمردن ایشان منتظر نتیجه جنگ جمل بود، که آیا رقیبان‌ش پیروز می‌شوند یا خیر؟ و از طرفی قصد خرید وقت برای بیعت گرفتن از اهل شام و شوراندن طرفداران خلیفه سوم و در حال آماده کردن تدارکات جنگ علیه امام (ع) بود. معاویه پس از مهیا کردن تمام این موارد اولین نامه خود را با چنین مضامینی به سوی امام فرستاد.

در خصوص تأثیر ژانرها و گفتمان‌های دیگر در متن نامه باید بیان کرد دو نوع بینامتنیت در متن، قابل مشاهده است. ابتدا بینامتنیت صریح که بر به‌کارگیری متون دیگر در یک متن به صورت مستقیم مانند: استفاده از علائم نقل قول و مانند آن اشاره دارد. عبارت: «ثُمَّ يَقْضِي اللَّهُ عِلْمَهُ فِيكَ، وَالسَّلَامُ عَلَى أَوْلِيَاءِ اللَّهِ»؛ (آن‌گاه خدا تقدیرش را در مورد تو بتحقیق رساند) در جواب عبارتی است که قبلاً امام (ع) در مورد قتل عثمان بیان کرده بود: «فَإِنَّ الْقَضَاءَ السَّابِقَ، وَالْقَدَرَ النَّافِذَ يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ كَقَطْرِ الْمَطَرِ، فَتَمْضِي أَحْكَامُهُ عِزَّ وَجَلَّ...»؛ (بدان، قضای الهی سبقت گرفته است و قدر او نیز نافذ است و همچون باران از آسمان فرود می‌آید...) (هاشمی خویی، بی‌تا، ۱۷: ۱۹۶؛ زکی صفوت، بی‌تا، ۱: ۳۴۰؛ احمدی میانجی، ۱۴۲۶ق، ۱: ۲۱۸).

دیگری بینامتنیت سازنده است که مفهومی وسیع‌تر دارد و نشانگر تأثیر محتوایی گفتمان‌های دیگر در یک متن است این مفهوم، هنگامی واقع می‌شود که گفتمان‌ها و ژانرهای مختلفی در یک رخداد ارتباطی واحد با یکدیگر مفصل‌بندی شوند (فرکلاف، ۱۳۷۹ش، ۱۲۲-۱۲۳؛ یورگنسن، ۱۳۸۹ش، ۱۲۸). عبارت: «سَلَامُ اللَّهِ عَلَى مَنْ أَتْبَعَ الْهُدَى» و «ثُمَّ يَقْضِي اللَّهُ عِلْمَهُ فِيكَ، وَالسَّلَامُ عَلَى أَوْلِيَاءِ اللَّهِ» در نامه، نشانگر حضور گفتمان‌هایی مانند گفتمان پیامبر (ص) و ژانرهای دیگر در متن است و قصد نویسنده از بیان این عبارات نوعی مشروعیت‌بخشی به خود است البته شایان ذکر است معاویه

در نامه هیچ اشاره‌ای به پیامبر (ص) نکرده‌است زیرا او تمام سعی خود را کرده تا به چیزی اشاره نکند که باعث تقویت طرف مقابل و ضعف خود شود. از سویی دیگر، این دو عبارت دارای بار معنایی تهدید نیز هستند که معاویه در جمله اول، قصد خلع سلاح امام را دارد و در گفتن مباحث اعتقادی پیش‌دستی می‌کند و در عبارت دوم، قصد دارد به مخاطبین خود بفهماند که اگر روزی امام علی (ع) توسط من و مهاجرین کشته شد بر اساس قضای الهی بوده است و در عبارت آخر «و السَّلامُ...» معاویه امام را جزو اولیای الهی نمی‌داند و می‌گوید اگر بین ما صلح و آرامش ایجاد شود که تو جزو آن‌ها هستی در غیر این صورت تو جزو آن‌ها نیستی.

۳-۳. تحلیل نامه در سطح تبیین

هدف از مرحله تبیین، توصیف گفتمان به عنوان یک فرآیند اجتماعی است؛ و هدف آن نشان دادن رابطه متقابل بین آن‌ها است که چگونه ساختارهای اجتماعی، گفتمان را تعیین می‌کنند و در مقابل گفتمان چه تأثیری بر ساختارهای اجتماعی دارد تأثیری که باعث تغییر وضعیت موجود می‌شود و یا در پی حفظ آن است. بنابراین، تبیین عبارت است از: دیدن گفتمان به عنوان جزئی از روند مبارزه اجتماعی در ظرف مناسبات قدرت (فرکلاف، ۱۳۷۹ش، ۲۴۵). در این مرحله محقق باید با توجه به مراحل قبل و یافته‌هایش به جمع‌بندی نهایی خود از گفتمان پردازد که آیا گفتمان مورد نظر موافق با گفتمان موجود است یا مخالف با آن، از این‌رو هدف ما کشف اندیشه‌هایی فراتر از ظاهر متن است.

در این زمینه باید گفت معاویه به عنوان شخصی که مخالف با حکومت و نظام قدرت است گفتمانی مخالف با گفتمان موجود دارد زیرا گفتمان او به مدت ۲۵ سال از گفتمانی که در زمان پیامبر (ص) رواج داشت فاصله گرفته بود و در نقش گفتمان جاهلی که در زمان خلیفه سوم رواج یافته بود بروز کرده بود. بنابراین معاویه در نامه خود با استفاده از ابزارهای تبلیغاتی مانند: (دروغ و تهمت) در پی حفظ وضعیتی است که به مدت ۲۵ سال رواج داشته است و برای این‌که نشان دهد قدرت چنین کاری را دارد از عبارت: «... لِيَنْقَشَنَّ عَنْكَ عَوَاظُهَا انْقِشَاعَ السَّحَابِ عَنِ السَّمَاءِ» استفاده می‌کند. البته باید بیان کرد روح حاکم بر نامه معاویه نشان‌گر تمام تلقی کردن کار خلافت از سوی او است زیرا او برای مشروعیت دادن به خود در ژست پیامبر (ص) وارد می‌شود و نامی از او نمی‌برد که مبادا موجب تقویت امام و ضعف خود شود.

۴. نامه ۶۴ نهج البلاغه (جواب امام علی علیه السلام به نامه معاویه)

بنابراین پس از آشنایی با نامه معاویه، حال به بررسی نامه ۶۴ نهج البلاغه می‌پردازیم که متناظر بر نامه معاویه نوشته شده است (ضمناً باید یادآوری کرد متن کامل نامه مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است). (ر.ک: زکی صفوت، بی‌تا، ۱: ۳۶۹؛ هاشمی خویی، بی‌تا، ۲۰: ۳۶۹؛ ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴ق، ۱۷: ۲۵۱؛ دینوری، ۱۴۱۰ق، ۱: ۱۰۰؛ احمدی میانجی، ۱۴۲۶ق، ۱: ۲۹۹؛ موسوی، ۱۳۷۶ش، ۸۴۲؛ شوشتری، ۱۳۷۶ش، ۴: ۲۵۲-۲۴۸).

۴-۱. تحلیل نامه در سطح توصیف

هدف از تحلیل متون در سطح توصیف، همان‌طور که گفته شد چگونگی ارتباط ویژگی‌های صوری متن با مفاهیم قدرت و ایدئولوژی است که می‌توان مواردی از آن را در متن مشاهده کرد:

الف- واژگان و اصطلاحات

اولین و مهم‌ترین ویژگی صوری مطرح شده در این متن را می‌توان، استفاده از روش مستقیم در معرفی اشخاص و موقعیت‌های سیاسی ایشان در جامعه اسلامی دانست که هدف امام (ع) بیان عملکرد گذشتگان و اعلام نارضایتی از سیره آن‌ها و نقد کارهای ایشان بوده است.

نقد عملکرد طلحه و زبیر و عایشه: زیرا آن‌ها کسانی بودند که در راه غلط گام برداشتند و کسی که به ناحق آتش افروز جنگ باشد هر بدی که بر سرش بیاید از ناحیه خود اوست چرا که این سه شخص به قصد حج، مدینه را ترک کرده بودند اما سپس به بصره رفتند.

نقد عملکرد معاویه: امام علی (ع) از همان ابتدا تا به انتهای نامه، معاویه را مورد ذم و نکوهش قرار داده و رفتار او را مورد نقد قرار می‌دهد و اشاره می‌کند هر آنچه تو می‌گویی از روی بیهودگی و پرچانگی است.

نقد عملکرد اقوام و خویشان معاویه: امام (ع) در نامه برای نقد خلق و خوی بنی‌امیه از نحوه اسلام آوردن اجباری آن‌ها در روز فتح مکه گرفته تا عملکردشان در جنگ‌ها به ویژه جنگ بدر را مورد نقد و نکوهش قرار می‌دهد زیرا قصد دارد به معاویه بفهماند تو نیز مانند آن‌ها هستی و تمام حرف‌ها و ادعاهای تو پوچ و توخالی هستند. از دیگر ویژگی‌های قابل مشاهده در متن، استفاده از ادات تأکید به ویژه «إِنَّ» در

قسمت‌های مختلف متن به ویژه عبارت: «فَإِنَّا كُنَّا نَحْنُ وَ أَنْتُمْ عَلَى مَا ذَكَّرْتُمْ مِنَ الْأُلْفَةِ وَالْجَمَاعَةِ فَفَرَّقَ بَيْنَنَا وَ بَيْنَكُمْ أَمْسِ أْنَا أَمْنَا وَ كَفَرْتُمْ وَ الْيَوْمَ أَنَا اسْتَقَمْنَا وَ فُتِنْتُمْ...»؛ (ما و شما دوست بودیم و هم خوشاوند، اما دیروز میان ما و شما بدان جهت جدایی افتاد که ما ایمان آوردیم و شما کافر شدید، و امروز ما در اسلام استوار ماندیم...) در پاسخ به معاویه بوده است و نشانگر اهمیت موضوع و کلام امام علی (ع) در جامعه اسلامی است و هدف امام، تأکید به اختلافاتی است که بنی امیه و بنی هاشم از همان ابتدا با هم داشته‌اند و کسی باعث تشدید آن نشده است و این اختلاف در سال ۳۶ هجری با توجه به شرایط پیش آمده نمود بیشتری پیدا کرده است و به دنبال مقصر گشتن، کاری بیهوده و وقت تلف کردن است.

مورد دیگر، استفاده از افعال متنوع در متن است که هر کدام برای هدف و مقصد خاصی بیان شده‌اند. اغلب افعال به صورت فعل ماضی و بیان وقایع سیاسی و اعتقادی است که از زمان حکومت پیامبر گرامی اسلام (ص) تا کنون رخ داده است و هدف امام (ع) بر ملا کردن توطئه‌های معاویه و مشروعیت‌زدایی از او بوده است به همین دلیل تعداد افعال ماضی بیشتر از افعال مضارع هستند، در مقابل استفاده از افعال مضارع که به گونه‌ای همه آن‌ها مرتبط با زمان تولید نامه هستند تداوم و استمرار را در مبارزه با کج فهمی‌ها و کج اندیشی‌ها با معاویه را بیان می‌کنند، و معلوم بودن جملات علاوه بر این که قدرت شخص نویسنده را نشان می‌دهد می‌تواند بیانگر تسلط کامل نویسنده بر متن و اعتقاد و ایمان راسخ او در این زمینه باشد.

هم‌چنین تعدد و تنوع جملات در نامه نشان می‌دهند استفاده بیش از حد از جملات فعلیه که دارای حرکت و استمرار در عمل هستند بیانگر فعلی هستند که از گذشته تا کنون ادامه داشته است مانند مشروعیت‌زدایی از حکومت امام که نظیر آن در زمان پیامبر (ص) از طرف خاندان معاویه رخ داده بود اما در مقابل، استفاده از جملات اسمیه که بیشتر آن‌ها دارای حرف تأکید بوده‌اند و از بار اقباعی برخوردار بوده‌اند دلالت بر ثبوت دارند و نشانگر دائمی بودن موضوع مورد نظر هستند و در خصوص جملات خبریه، باید گفت به دلیل تاریخی و روایی بودن متن اکثر جملات آن به صورت خبری بیان شده‌اند.

ب- عوامل انسجام

از عوامل انسجام در متن، انسجام کلی است که در تمام عبارات نامه وجود دارد و استفاده از عبارات و جملات به صورت منظم موجب شده نامه دارای سه بخش اصلی باشد:

۱- بخش اول؛ پاسخ‌های کوبنده‌ی امام علی (ع) به ادعاهای معاویه

۱-۱- توصیف قدرت و فراخواندن دشمن به جنگ تن به تن

عبارت: «فَقَدَّرِ الْأُمُورَ تَقْدِيرَ مَنْ يَنْظُرُ لِنَفْسِهِ دُونَ جُنْدٍ»؛ (کارها را طوری در نظر بگیر که خودت را به حساب آوری نه سپاهیان را) امام علی (ع) در این عبارت برای نشان دادن قدرت شخصی خود و پاسخ به ادعای معاویه که برای جنگ به طرفداران خود در شام اشاره کرده‌است می‌گوید ای معاویه برای جنگ تن به تن با من آماده شو و به سپاهیان کاری نداشته باش زیرا تو نه رهبر مشروع و قانونی هستی و اصلاً سپاه و نیرویی نداری که ادعای آن‌ها را کرده‌ای بلکه تو تنها یک شهروند معمولی هستی که مرا به جنگ فراخوانده‌ای پس تنها به سوی من بیا، در ادامه امام با استفاده از عبارت: «وَلَا يَسْتَغْلِبُ بِالْهَزْلِ مِنَ قَوْلِهِ»؛ (کسی به سخنان بیهوده تو مشغول نخواهد شد) و استفاده از ضمیر «هو» مستتر غائب بیان می‌کند که کسی برای این حرف‌های تو (ر.ک: نامه معاویه) حتی تره هم خورد نمی‌کند و به آن‌ها هیچ توجه‌ای ندارد چه برسد به من علی بن ابی‌طالب که من حتماً و به طور جد توجه نمی‌کنم.

۱-۲- توصیف اعتقاد به خدا در تمام زمینه‌ها

امام در پاسخ به ادعای دیگر معاویه می‌گوید: «فَلَعَمْرِي لَئِنْ كَانَتْ قُوَّتِي بِأَهْلِ الْعِرَاقِ، أَوْثَقَ عِنْدِي مِنَ قُوَّتِي بِاللَّهِ وَ مَعْرِفَتِي بِهِ، فَلَيْسَ عِنْدَهُ بِاللَّهِ تَعَالَى يَقِينٌ مَنْ كَانَ عَلَيَّ هَذَا»؛ (سوگند به جانم، اگر قوت و نیروی من به مردم عراق بود، در این صورت هیچ‌کس با چنین فکری نمی‌تواند ادعای یقین به خداوند داشته باشد) من کاملاً به حرف‌ها و کارهای خود اعتقاد درونی دارم و لزومی ندارد برای قدرت و مشروعیت به مردم عراق و دیگران وابسته باشم. قدرت من از طرف خدا است و آن برای من کفایت می‌کند و در مقابل من، تو که دائماً به سپاهیان تکیه می‌کنی و به داشتن آن‌ها افتخار می‌کنی و در انجام هر کاری ابتدا آن‌ها را پیش قدم می‌سازی پس این نشان می‌دهد تو هیچ اعتقادی به خدا نداری و برای انجام هر کاری به دیگران وابسته‌ای.

۱-۳- توصیف و توصیه یک بعد معرفتی به دشمن (سعی در نصیحت معاویه)

در ادامه امام برای کوچک شمردن حرف‌ها و ادعاهای معاویه می‌گوید: «فَنَاجِ نَفْسَكَ مُنَاجَاهَ مَنْ يَسْتَعِينُ بِالْجِدِّ دُونَ الْهَزْلِ، فَإِنَّ فِي الْقَوْلِ سِعَةً، وَلَنْ يُعَدَّرَ مِثْلُكَ فِيمَا طَمَحَ إِلَيْهِ الرَّجَالُ»؛ (جانت را به نیایشی مشغول‌دار که به سخن جدی مشغول باشد نه به

سخن بیهوده، در سخن من، چنان آزاداندیشی است که مردانی همانند تو توانایی رسیدن به آن را ندارند) امام قصد دارد به معاویه بفهماند خودت را مشغول کارهای پوچ و بی معنا نکن که برای کسی هیچ ارزشی ندارد، یعنی ای معاویه خودت را به نجوایی مشغول دار، خودت را به حدیث نفسی مشغول دار که ارزش داشته باشد و حرف الکی نباشد، از طرفی امام قصد دارد بگوید در حالی که تو حرف الکی می‌زنی و من در مقابل، در حالی که دارای آزاداندیشی هستم حرف حق را می‌گویم و تو به خاطر گناهانی که تا کنون مرتکب شده‌ای توانایی تشخیص حرف حق از باطل را نداری. بنابراین امام در این عبارت به گناه، به عنوان یک مقوله معرفتی نگاه کرده است که وجود آن در اشخاصی مانند معاویه، مانع از شناخت امور معنوی می‌شوند.

۱-۴- توصیف و برملا کردن توطئه‌های معاویه

حضرت در ادامه به برملا کردن توطئه‌های معاویه، علیه خود می‌پردازد و می‌گوید: «أَمَّا بَعْدُ فَإِنَّا كُنَّا نَحْنُ وَ أَنْتُمْ عَلَي مَا ذَكَرْتُمْ مِنَ الْأَلْفَةِ وَ الْجَمَاعَةِ فَفَرَّقَ بَيْنَنَا وَ بَيْنَكُمْ أَمْسَ أَنَا أَمْنَا وَ كَفَرْتُمْ وَ الْيَوْمَ أَنَا اسْتَقَمْنَا وَ فُتِنْتُمْ وَ مَا أَسْلَمَ مُسْلِمُكُمْ إِلَّا كُزْهًا وَ بَعْدَ أَنْ كَانَ أَنْفَ الْإِسْلَامِ كُلَّهُ لِرَسُولِ اللَّهِ ص [حَرْبًا حِزْبًا]؛ (ما و شما دوست بودیم و هم خویشاوند، اما دیروز میان ما و شما بدان جهت جدایی افتاد که ما ایمان آوردیم و شما کافر شدید، و امروز ما در اسلام استوار ماندیم، و شما آزمایش گردیدید، اسلام آوردگان شما با ناخوشنودی، آن هم زمانی به اسلام روی آوردند که بزرگان عرب تسلیم رسول خدا (ص) شدند، و در گروه او قرار گرفتند) تو داری در مورد اختلاف بین ما و شما مغلطه می‌کنی و این اختلافات مربوط به زمان پیامبر (ص) بوده است که پس از رحلت ایشان تشدید شده است و امروزه با توجه به شرایط پیش آمده امکان عملی شدن آن بیشتر شده است و ما به وفور آن را مشاهده می‌کنیم پس من هیچ دخالتی در این امور ندارم، از طرفی دیگر، امام قصد دارد معاویه را تحقیر کند و به او یادآوری کند که اسلام شما اسلام ناب محمدی نبوده است بلکه از روی اکراه بوده و در آن زمان چاره‌ای جز تسلیم نداشته‌اید (ماجرای فتح مکه) حال تو با چنین سابقه‌ای اسلام را به عنوان ابزاری برای خود اعلام کرده‌ای و قصد داری با این وسیله با من مقابله کنی.

در ادامه امام برای پاسخ به ادعاهای معاویه در زمینه قتل طلحه و زبیر و ... می‌گوید: «وَ ذَكَرْتُ أَنِّي قَتَلْتُ طَلْحَةَ وَ الزُّبَيْرَ وَ سَرَدْتُ بِعَائِشَةَ وَ نَزَلْتُ بَيْنَ الْمُصْرَيْنِ وَ ذَلِكَ أَمْرٌ غِبْتُ عَنْهُ فَلَا عَلَيْكَ وَ لَا الْعُدْرُ فِيهِ إِلَيْكَ» (در نامه‌ات نوشتی که طلحه و زبیر را کشته،

و عایشه را تبعید کرده‌ام، و در کوفه و بصره منزل گزیدم، این امور ربطی به تو ندارد و لازم نیست از تو عذر بخواهد) معاویه این اموری را که تو گفته‌ای زیر نظر والی مشروع است و رسیدگی به این امور تحت نظر حاکم شرع است و مربوط به تو نیست و من قرار نیست در این مورد به تو توضیح دهم البته تو حق داری در این مورد سؤال کنی اما پا را فراتر از حدت نگذار زیرا تو ولی دم نیستی بلکه یک شهروند معمولی هستی و اما این که ادعا کرده‌ای از مهاجرین هستی: «و ذَكَرْتَ أَنَّكَ زَائِرِي فِي [جَمْع] الْمُهَاجِرِينَ وَ الْأَنْصَارِ وَ قَدْ انْقَطَعَتِ الْهَجْرَةَ يَوْمَ أُسِرَ أَخُوكَ»؛ (و نوشتی که با گروهی از مهاجران و انصار به نبرد من می‌آیی، هجرت از روزی که برادرت «یزید» در فتح مکه اسیر شد پایان یافت) قصه مهاجرین و انصار را الکی تحریف نکن تو جزو هیچ‌یک از این گروه‌ها نیستی.

۱-۵- توصیف قدرت با استفاده از تشبیه

امام علی (ع) در انتهای نامه در مقابل تهدید نظامی معاویه می‌گوید: «فَإِنْ كَانَ [فِيكَ] فِيهِ عَجَلٌ فَاسْتَرْفِهِ فَإِنِّي إِنْ أَرَزَكَ فَدَلِيكَ جَدِيرٌ أَنْ يَكُونَ اللَّهُ إِنَّمَا بَعَثَنِي إِلَيْكَ لِلنَّقْمَةِ مِنْكَ وَ إِنْ تَزُرَّنِي فَكَمَا قَالَ أَخُو بَنِي أَسَدٍ:

مُسْتَقْبِلِينَ رِيَّاحَ الصَّيْفِ تَضْرِبُهُمْ بِحَاصِبٍ بَيْنَ أَعْوَارٍ وَ جُلْمُودٍ»

(پس اگر در ملاقات با من شتاب داری، دست نگه‌دار، زیرا اگر من به دیدار تو بیایم سزاوارتر است، که خدا مرا به سوی تو فرستاده تا از تو انتقام گیرم، و اگر تو با من دیدار کنی چنان است که شاعر اسدی گفت: «تندباد تابستانی سخت می‌وزد و آن‌ها را با سنگ‌ریزه‌ها، و در میان غبار و تخته سنگ‌ها، در هم می‌کوبند»). در این عبارت امام برای تهدید و نشان دادن قدرت خود به معاویه ابتدا به خدا تکیه می‌کند و می‌گوید خداوند در این مورد که من به دیدار تو بیایم پشت من است و این برای من کافی است و در ادامه برای تأثیر بیشتر بر عواطف و احساسات طرف مقابل و برانگیختن آن‌ها از تشبیه و تمثیل استفاده می‌کند و می‌گوید من مانند تندبادی در تابستان هستم که در امور جنگی بسیار جدی‌ام و باعث تخریب و نابودی می‌شوم پس حواست را جمع کن که به سمت چه کسی حرکت می‌کنی. علت تأکید امام بر بادهای تابستانی این است که این طوفان‌ها به دلیل گرم بودن هوا قدرت بیشتری در تخریب دارند و باعث نابودی می‌شوند. این عبارت علاوه بر این که نشانگر جدی بودن امام در این امر است از طرفی نیز قدرت ایشان را بیان می‌کند و از سوی دیگر قصد دارد با یادآوری جنگ بدر

(که امام عتبه، جد معاویه و ولید بن عتبه، دانی معاویه و حنظله بن ابوسفیان برادر معاویه را کشته است) به معاویه بفهماند که هر کس چنین باشد و شمشیری مانند ذوالفقار داشته باشد، پس باید از او ترسید و او را تهدید به جنگ و ستیز نکرد. امام در ادامه برای تحریک بیشتر از عبارت: «وَ عِنْدِي السَّيْفُ الَّذِي أَعْضَضْتُهُ بِجَدِّكَ وَ خَالِكَ وَ أَحْيِكَ فِي مَقَامٍ وَاحِدٍ - [فَإِنَّكَ] وَ إِنَّكَ وَ اللَّهُ مَا عَلِمْتُ الْأَغْلَفُ الْقُلْبِ الْمُقَارِبِ الْعَقْلِ»؛ (در نزد من همان شمشیری است که در جنگ بدر بر پیکر جد و دایی و برادرت زدم. به خدا سوگند، می دانم تو مردی بی خرد و دل تاریک هستی) استفاده می کند تا به معاویه بفهماند زمانی که ما در ضعف بودیم و شما در قدرت به سر می بردید ما با شما چه کردیم پس این تهدیدهای الکی تو نشان از این دارد که قلب تو ظرفیت پذیرش حقیقت را ندارد و عقلت در این موارد کمکی به تو نمی کند.

۱-۶- توصیف علت بروز ادعای حاکمیت و قدرت در معاویه

امام با بیان عبارت «لَأَنَّكَ نَشَدْتَ غَيْرَ صَالَاتِكَ وَ رَعَيْتَ غَيْرَ سَائِمَتِكَ»؛ (زیرا تو غیر گمشده خود را می جوئی، و غیر گله خود را می چرانی) دلیل بروز ادعای حاکمیت و قدرت در معاویه را به از خودبیگانگی او می داند و می گوید: ای معاویه تو هرگز نتوانسته ای با خود واقعیات رابطه برقرار کنی و همین باعث شده است که تو ادعای خلیفه بودن کنی در حالی که هرگز سزاوار آن نیستی و خلافت و ولایت در حد و اندازه تو نیست چون تو به هیچ طریقی انتخاب نشده ای. (تأکید بر شیوه انتخابی سه خلیفه قبل) «وَ طَلَبْتَ أَمْرًا لَسْتَ مِنْ أَهْلِهِ وَ لَا فِي مَعْدِنِهِ»؛ (منصبی را می خواهی که سزاوار آن نبوده، و در شأن تو نیست)

هم چنین امام برای آن که نشان دهد ساحت گفتار و اعتقادات معاویه یکی نیست می گوید: «فَمَا أَبْعَدَ قَوْلِكَ مِنْ فِعْلِكَ»؛ (چقدر گفتار تو با کردارت فاصله دارد). معاویه اگر تو قصد داری من را به انجام کاری تحریک کنی و یا این که از انجام کاری منع کنی پس باید صداقت داشته باشی به گونه ای که کردارت بر گفتارت و گفتارت بر خواسته ها، عواطف و احساسات منطبق باشد در صورتی که در تو چنین نیست. (رک: درس گفتار اخلاق کاربردی از مصطفی ملکیان)

۲. بخش دوم: نقد امام (ع) به خلق و خوی معاویه

در بخش دوم متن، امام به نقد خلق و خوی معاویه می پردازد و تأکید دارد که او نیز

مثل آباء و اجدادش است. امام در این بخش با استفاده از ضرب المثل حلال زاده به دایبی‌اش می‌رود در کنار واژه «السَّقَاوَه» قصد دارد به معاویه بفهماند: «وَقَرِيبٌ مَا أَشْبَهَتْ مِنْ أَعْمَامٍ وَ أَحْوَالٍ حَمَلَتْهُمْ السَّقَاوَهَ وَ تَمَنَّى الْبَاطِلُ عَلَى الْحُودِ بِمُحَمَّدٍ ص فَصُرِعُوا مَصَارِعَهُمْ حَيْثُ عَلِمْتَ لَمْ يَدْفَعُوا عَظِيمًا وَ لَمْ يَمْنَعُوا حَرِيمًا بُوَفِّعَ سُيُوفٍ مَا خَلَا مِنْهَا الْوَعَى وَ لَمْ تُمَاشِهَا الْهُيُونَى»؛ (چقدر به عموها و دایبی‌های کافرت شباهت داری شقاوت و آرزوی باطل آن‌ها را به انکار نبوت محمد (ص) و داشت و چنان‌که می‌دانی در گورهای خود غلتیدند، نه در برابر مرگ توانستند دفاع کنند، و نه آن‌گونه که سزاوار بود از حریمی حمایت، و نه در برابر زخم شمشیرها خود را حفظ کردند، که شمشیرها در میدان جنگ فراوان و سستی در برابر آن شایسته نیست) شخصیت امروز تو مانند شخصیت عموها و دایبی‌هایت در زمان حکومت پیامبر (ص) شده‌است زیرا آن‌ها در آن زمان احساس خطر کرده و خود را در شرایط سختی دیدند پس نتیجه گرفتند پیامبر اکرم (ص) را انکار کنند و وارد جنگ علیه او شوند که سرانجام توسط من و شمشیر من، ذوالفقار کشته شدند و تو نیز که امروزه جایگزین آن‌ها شده‌ای پس سرنوشتی غیر از این نخواهی داشت.

۳. بخش سوم: اتمام حجت امام (ع) با معاویه

بخش سوم شامل اندرزها و نصیحت‌های امام یا به عبارت دیگر اتمام حجت به معاویه می‌شود. «وَقَدْ أَكْثَرْتَ فِي قَتْلِهِ عَثْمَانَ فَادْخُلْ فِيْمَا دَخَلَ فِيهِ النَّاسُ ثُمَّ حَاكِمِ الْقَوْمَ إِلَيَّ أَحْمِلْكَ وَ إِيَّاهُمْ عَلَى كِتَابِ اللَّهِ تَعَالَى وَ أَمَا تِلْكَ الَّتِي تُرِيدُ فَإِنَّهَا خُدَعَهُ الصَّبِيَّ عَنِ اللَّبَنِ فِي أَوَّلِ الْفِصَالِ وَ السَّلَامُ لِأَهْلِهِ»؛ (تو در باره کشتندگان عثمان فراوان حرف زدی، ابتدا چون دیگر مسلمانان با من بیعت کن، سپس در باره آنان از من داوری بطلب، که شما و مسلمانان را به پذیرفتن دستورات قرآن وادارم، اما آنچه را که تو می‌خواهی، چنان است که به هنگام گرفتن کودک از شیر، او را بفریبند، سلام بر آنان که سزاوار سلامند) تو قبل از این‌که در مورد قتل عثمان حرف بزنی ابتدا وظیفه داری به عنوان یک شهروند در این مورد با من بحث و گفت‌وگو کنی تا به نتیجه برسیم پس به دنبال بهانه‌های الکی نباش.

بنابراین این نحوه گفتمان را می‌توان از نظر فصاحت و بلاغت، عالی‌ترین سبک در مکاتبات سیاسی برای مقابله با افراد پرادعا معرفی کرد که در صورت نبود یکی از اقسام، گفتمان ناقص و ناتمام باقی خواهد ماند.

از دیگر روش‌های ایجاد انسجام در متن می‌توان به تکرار و اشتقاق اشاره کرد. زیرا

آن‌ها علاوه بر قدرت‌بخشی، موجب ثبوت و پایداری معنا در ذهن مخاطب و نقش مؤثری در اهمیت موضوع دارند نمونه‌هایی از آن‌ها در متن: تکرار واژه: «هَزَلٌ» و اشتقاق در عبارات: «فَقَدَّرَ الْأُمُورَ تَقْدِيرًا، فَنَاجَ نَفْسَكَ مُنَاجَاةً، فَأَدْخُلْ فِيهَا دَخْلًا فِيهَا، فَصُرِّعُوا مَصَارِعَهُمْ». تمام این عبارات علاوه بر این‌که حقانیت و مشروعیت امام علی (ع) برای حکومت را نشان می‌دهند از طرفی دیگر، سعی در مشروعیت‌زدایی از معاویه را دارند. از طرفی دیگر استفاده از واژگان متضاد: «لِحِدِّ وَ الْهَزْلِ، قَوْلٌ وَ فِعْلٌ» نشان می‌دهد امام علی (ع) با استفاده از این واژگان به زیباترین شکل ممکن و رایج در آن زمان قصد دارد به مخاطبان بفهماند هر آنچه را که معاویه می‌گوید پوچ و بی‌معناست زیرا کردار و گفتار معاویه یکی نیست، اگر او قصد دارد مرا از کاری منع کند و یا به کاری تشویق کند باید صداقت داشته باشد و این تنها چیز است که او بویی از آن نبرده است. از طرفی وجود واژگان: «أَمْسِ وَ الْيَوْمَ، أَمْنَا وَ كَفَرْتُمْ، اسْتَقَمْنَا وَ فُتِنْتُمْ» بیانگر اختلافات قوم بنی‌هاشم و بنی‌امیه هستند که از دیر زمان رواج داشته است و در سال ۳۶هـ بر اثر بروز برخی حوادث تشدید شده‌اند (ر.ک: بحرانی، ۱۳۶۲ش، ۵: ۳۴۸).

یکی دیگر از ویژگی‌های بیانی مطرح شده در نامه، استفاده از استعاره‌ها و تشبیه‌ها و کنایه‌های متعدد است که در شروح نهج‌البلاغه به این موضوع کاملاً پرداخته شده است و هر کدام دارای بار معنایی مهمی هستند و گاه برخی از این موارد بیانگر حادثه تاریخی بوده‌اند. عبارت: «أَنْفُ الْإِسْلَامِ، بِنِي إِسْلَامٍ» استعاره از بزرگان قبیله بنی‌امیه بوده است که در روز فتح مکه از روی اجبار، مسلمان شدند. مانند: ابوسفیان (بحرانی، ۱۳۶۲ش، ۵: ۳۴۹؛ علی دخیل، ۱۳۶۴ش، ح ۳۱-۳۲: ۳۵). با توجه به عبارت، مشخص می‌شود امام علی (ع) در این مورد خود را پایبند به اخلاق اسلامی معرفی می‌کند و از بردن نام افراد مشخص در این عبارت خودداری کرده و با استعاره از آن‌ها یاد کرده‌است. کلمه «الْأَغْلَفُ» نیز استعاره از قلب معاویه است (بحرانی، ۱۳۶۲ش، ۵: ۳۵۲) و دلیل استعاره آن است که قلب معاویه به دلیل گناهمانی که تاکنون مرتکب شده است ظرفیت پذیرش حق را ندارد.

عبارت: «الْمُقَارِبُ الْعَقْلِ» مقارب که همان حد وسط میان خوب و بد است اینجا اشاره به کم‌عقلی معاویه دارد که هر آنچه را که ادعا می‌کند دور از منطق و عقل است (عبده، بی‌تا، ۳: ۱۳۵؛ مکارم شیرازی، ۱۳۹۰ش، ۲۷۴؛ علی دخیل، ۱۳۶۴ش، ح ۳۱-۳۲: ۳۷). یعنی معاویه عقل دارد و اگر به عقلش رجوع کند می‌تواند حقایق را درک کند اما گناهمانی که او مرتکب شده است مانع از شناخت حقیقت در او می‌شوند. عبارت: «وَ

السَّلَامُ لِأَهْلِهِ» در پایان نامه نیز کنایه از آن است که تو با این اعمال و گفتار و رفتارت اهل این که سلام الهی شامل حالت شود نیستی و این سلام تنها مخصوص اهلس است (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰ ش، ۲۸۳).

ج- ارجاع

یکی دیگر از مسائلی که باید در متن سیاسی به آن توجه کرد استفاده از ضمایر مختلف است: همان‌طور که مشخص است در نامه از ضمیر مفرد مذکر مخاطب در برابر متکلم وحده بیش از اندازه استفاده شده است و این علاوه بر این‌که نشانگر ارتباط مستقیم با مخاطب است می‌تواند معانی دیگری نیز داشته باشد. ۱- ابتدایی‌ترین چیزی که در این زمینه به ذهن محقق خطور می‌کند این است که نویسنده قصد دارد این دو شخص را از جهات مختلف در نقطه‌ی مقابل هم قرار دهد که می‌توان آن را تحت عنوان «دوگانه‌سازی» مطرح کرد. ۲- معنای دیگر می‌تواند نشان‌دهنده قدرت شخص باشد که خود را به عنوان فرمانده و حاکم وقت در برابر یک شهروند معمولی معرفی کرده است ۳- یا می‌تواند مراد از آن من مسئولیت‌پذیر در برابر حوادث باشد.

استفاده از ضمیر (ما) علاوه بر اشاره و ارجاع به یک گروه و وحدت و یکپارچگی آن می‌تواند بیانگر این باشد که ۱- امام علی (ع) نامه را از حالت شخصی‌سازی، خارج خواسته است ۲- یا ممکن است نشانه تواضع و فروتنی امام نسبت به پیامبر (ص) باشد ۳- نیز احتمال دارد امام به دنبال نوعی مشروعیت برای خود بوده است و با به کار بردن ضمیر «ما» در ارتباط با پیامبر (ص) به دنبال راه‌حلی برای تبرئه ساختن خود از اتهامات وارد شده بوده است ۴- نیز ممکن است امام این ضمیر را در رابطه با جامعه بیان کند که خود را نماینده و مسئول آن‌ها می‌داند ۵- و شاید مراد امام از این ضمیر «مای تکلیفیه» باشد یعنی وظایف و تکلیفی که ما در زمان حیات پیامبر (ص) داشته‌ایم و تا کنون نیز ادامه داشته است ۶- و یا امکان دارد برای تعظیم لنفسه‌ای باشد یعنی ما شما نیستیم بلکه بهتر از شما هستیم.

در مقابل استفاده از ضمیر (شما) در متون سیاسی نیز می‌تواند معنای خاص خود را داشته باشد یعنی علاوه بر این‌که بیانگر نوعی احترام و تکریم است می‌تواند بیانگر نوع جمعی از یک گروه خاص با عقاید خاص باشد اما آنچه که در این متن قابل مشاهده است همان معنای بیگانه‌سازی است که امام برای بیان تفاوت‌های قوم بنی‌هاشم و بنی‌امیه از آن بهره برده است. هم‌چنین بهره‌گیری از ضمیر (آن‌ها) برای معرفی خاندان

معاویه علاوه بر معنای مقایسه‌ای که امام، معاویه را با آن‌ها مقایسه می‌کند می‌تواند نوعی مشروعیت‌زدایی از شخصیت معاویه براساس سوابق باشد.

۲-۴. تحلیل نامه در سطح تفسیر

با توجه به مطالب ذکر شده می‌توان گفت: نامه پس از جنگ جمل و مستقر شدن امام علی (ع) در شهر کوفه نوشته شده است و متن نامه، بازخوانی تاریخ سیاسی است که از زمان حکومت پیامبر (ص) تا زمان خلافت امام علی (ع) رخ داده است. هم‌چنین با بررسی و تحلیل نامه معاویه و متن حاضر می‌توان نامه را پاسخی دانست که امام علی (ع) در سال ۳۶ هجری آن را نوشته و به سمت معاویه فرستاده است (هاشمی خویی، بی‌تا، ۲۰: ۳۶۹؛ زکی صفوت، بی‌تا، ۱: ۳۶۹؛ ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ق، ۱۷: ۲۵۱؛ شوشتری، ۱۳۷۶ش، ۴: ۲۴۸-۲۵۲).

در خصوص بینامتنیت باید گفت: نامه امام علی (ع) کاملاً در پاسخ به نامه معاویه نوشته شده است و امام تک‌تک ادعاهای او را پاسخ داده است (برای فهم بهتر به قسمت انسجام مراجعه شود) و اما درباره بینامتنیت سازنده باید گفت بازنگری تاریخ سیاسی و حکومت پیامبر (ص) در مدینه و یادآوری روز فتح مکه و نحوه ایمان‌تلقاء در آن روز، بیانگر حضور گفتمان‌ها و ژانرهای دیگر در متن است زیرا بهره بردن از این موارد وجه اشتراک حکومت امام (ع) و پیامبر (ص) را نشان می‌دهد و از طرف دیگر تأکید بر دوره پیامبر (ص)، علاوه بر مشروعیت‌بخشی و قدرت‌آفرینی راهی برای جلوگیری از مشروعیت‌زایی بی‌مبنای معاویه است.

۳-۴. تحلیل نامه در سطح تبیین

پس از تحلیل نامه بر اساس مرحله توصیف و تفسیر می‌توان گفت: گفتمان امام علی (ع) در نامه برخاسته از کتاب و سنت پیامبر (ص) می‌باشد و به دنبال آن است که وضع موجود را بر اساس همان کتاب و سنت عوض کند و برای محقق کردن آن نامه را از حالت شخصی‌سازی خارج نموده و آن را به دوره حکومت پیامبر (ص) گره زده است. زیرا امام علی (ع) می‌خواهد به عوام و خواص نشان دهد همان راهی را می‌رود که قول و فعلش یکی است و مشروعیت او همان است که از کتاب و سنت تبعیت کرده است، از طرفی امام برای نشان دادن حقانیت و مشروعیت سیاسی خود نسبت به چنین مقامی می‌گوید: «فَلَعَمْرِي لَئِنْ كَانَتْ قُوَّتِي بِأَهْلِ الْعِرَاقِ، أَوْ تَقُوَّتِي عِنْدِي مِنْ قُوَّتِي بِاللَّهِ وَمَعْرِفَتِي بِهِ...»؛ این

مقامی است که من نه توسط مردم آن را به دست آورده‌ام و نه برگزیده شخص پیامبر (ص) هستم بلکه این مقام، امری الهی است که از طرف خداوند به من داده شده است و پیامبر (ص) مأمور ابلاغ آن به دیگران شد و این چیزی است که در طول تاریخ، متعلق به ما بوده است و شما هیچ بهره‌ای از آن نبردید.

۵. نتیجه گیری

تحلیل گفتمان انتقادی بر اساس رویکرد اجتماعی و سیاسی این امکان را برای نویسندگان و گویندگان ایجاد می‌کند که با بررسی و تحلیل یک متن در سطوح مختلف و جداگانه اما در کنار یکدیگر، به فهم و دیدگاهی عمیق‌تر نسبت به متن برسند که در بطن آن نهفته شده‌اند پس خوانش نامه امام علی (ع) و نامه معاویه بر اساس این روش ما را به چنین یافته‌هایی رهنمون می‌کند.

۱. نامه معاویه

در بخش توصیف و تفسیر، هدف معاویه دست و پا کردن مشروعیت برای خود با استفاده از مشروعیت‌زدایی از حکومت امام علی (ع) است معاویه از ابتدای نامه، جنگ روانی علیه امام را شروع می‌کند و با ناچیز شمردن حکومت امام و شایعه پراکنی‌هایی مانند ناچیز و ناتوان دانستن یاران امام، قتل عثمان و طلحه و زبیر و آواره کردن عایشه و طمع‌داری در حکومت، قصد دارد به تحریف عقاید نسبت به حکومت امام پردازد و اقتدار و مشروعیت ایشان را کاهش دهد تا بتواند حکومت خود را تثبیت کند. البته او برای انجام این عمل تنها به ابزارهای تبلیغاتی مانند: دروغ و تهمت اکتفا نمی‌کند و به ابزارهایی که باعث تقویت امام و ضعف خود شود هیچ‌گونه اشاره‌ای ندارد مانند: عدم اشاره به نام پیامبر (ص)، اگر چه گفتمان او در نامه، گفتمانی پیامبر گونه است امام اشاره‌ای به نام پیامبر (ص) ندارد. اما در بخش تبیین، معاویه راه رسیدن به اهداف خود را از طریق بی‌نظمی سیاسی و ایجاد شورش می‌داند زیرا او پس از معرفی خود به عنوان خلیفه‌الله در ژست پیامبر ظاهر می‌شود و قدرت خود را قدرتی می‌داند که از طرف خداوند کسب کرده است که توانایی بر هم زدن تمام شرایط و امور را دارد.

۲. نامه امام علی (ع)

در بخش توصیف، اندیشه‌های سیاسی و اجتماعی امام علی (ع) در نامه ۶۴ نهج البلاغه که متناظر بر نامه معاویه است نشان می‌دهد امام در پی دفاع از حکومت مشروع مستقر بوده است و مخالف با گروه‌های قدرت طلب که از ابزارهای نامشروع

برای رسیدن به حکومت استفاده می‌کنند و از طرفی امام در این نامه روش‌های نامشروع مشروعیت‌نما را برای دیگران برملاء می‌کند. دیگری بحث آزادی بیان و آزاداندیشی در حکومت است. آزادی بیان در کل به معنای آزادی اندیشه و عقیده است؛ و می‌توان آن را تحت عنوان یک ابزار تبلیغاتی برای رساندن اندیشه و عقیده به دیگران در نظر گرفت اما تا جایی که باعث نقض اصول ارزشی جامعه و حقوق دیگران نشود. حال معاویه در این شرایط به دنبال بزرگ‌نمایی است و چون مشروعیت ندارد به ابزار بزرگ‌نمایی روی آورده است و به بیان سخنانی می‌پردازد که برای خودش از اهمیت زیادی برخوردارند و گمان می‌کند که آن سخنان نیز برای دیگران مهم هستند در حالی که برای دیگران هیچ‌گونه اهمیت و ارزش ندارند، و اما در بخش تفسیر، امام علی (ع) ضمن مقایسه بین دو حکومت خود و پیامبر (ص) به بیان شرایط و ضوابطی مانند: خدامحوری بودن، داشتن قانون و عمل به قانون‌مداری می‌پردازد و قصد دارد نشان دهد که حکومت ایشان از این شرایط برخوردار بوده است و در بخش توصیف، امام ضمن الهی دانستن حکومت خود، قدرت خود را نیز الهی می‌داند.

منابع

- ابن ابی‌الحدید، عبدالحمید بن هبه‌الله، شرح نهج البلاغه، قم، مکتبه آیه‌الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، محقق: جمال الدین میردامادی، بیروت، دار الفکر للطباعة والنشر والتوزیع، ۱۴۱۴ق.
- احمدی میانجی، علی، مکاتیب الأئمه علیهم السلام، قم، دار الحدیث، ۱۴۲۶ق.
- بحرانی، میثم بن علی، شرح نهج البلاغه، بی‌جا، کتاب، ۱۳۶۲ش.
- بستانی، فؤاد افرا، فرهنگ ابجدی، ترجمه: رضا مهیار، تهران، انتشارات اسلامی، بی‌تا.
- جعفری، روح‌الله، تحلیل گفتمان انتقادی خطبه‌های سیاسی با تکیه بر رویکرد فرکلاف مورد پژوهی دوره‌ی اسلامی تا پایان عصر عباسی اول، رساله دکتری، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، ۱۳۹۵ش.
- دینوری، عبدالله بن مسلم، الامامه و السیاسه، لبنان، دار الاضواء، ۱۴۱۰ق.
- ذکایی، عبدالحسین، صیادی‌نژاد، روح‌الله؛ اقبالی، عباس، «تحلیل گفتمان نامه دهم نهج البلاغه بر اساس الگوی فرکلاف»، ادب عربی، ۱۳۹۸ش، سال ۱۲، شماره ۲، صص ۶۳-۸۳.
- زکی صفوت، أحمد، جمهره رسائل العرب، بیروت، المکتبه العلمیه، بی‌تا.
- سید رضی، محمدبن حسین، نهج البلاغه، مصحح: صبحی صالح، ترجمه: محمد دشتی، قم، موسسه دارالهجره، بی‌تا.
- شوشتری، محمدتقی، بهج الصباغه فی شرح نهج البلاغه، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۶ش.
- صفایی، علی؛ سلطانی، بهروز، «تحلیل گفتمان انتقادی نامه امام علی (ع) به معاویه»، دوماهنامه جستارهای زبانی، ۱۳۹۵ش، دوره ۷، شماره ۷، صص ۲۳-۴۹.
- عبده، محمد، شرح نهج البلاغه، قاهره، مطبعه الاستقامه، بی‌تا.
- علی دخیل، علی محمد، شرح نهج البلاغه دخیل، بیروت، دار المرتضی، ۱۳۶۴ش.

فرکلاف، نورمن، تحلیل انتقادی گفتمان، ترجمه فاطمه شایسته پیران و همکاران، تهران، مرکز مطالعه و تحقیقات رسانه‌ها، ۱۳۷۹ش.

کریمی، زهره، تحلیل گفتمان نامه‌های حضرت علی علیه‌السلام به فرمانداران (مطالعه موردی نامه‌های کوتاه)، تهران، پایان‌نامه دانشگاه الزهراء، ۱۳۹۲ش.

محسنی، علی‌اکبر؛ پروین، نورالدین، «بررسی گفتمان انتقادی در نهج البلاغه بر اساس نظریه نورمن فرکلاف (مطالعه موردی توصیف کوفیان)»، پژوهش‌نامه علوم، ۱۳۹۴ش، سال ۶، شماره ۲، صص ۱۳۳-۱۵۵.

مکارم شیرازی، ناصر، پیام امام امیرالمؤمنین، قم، انتشارات امام علی بن ابی‌طالب (ع)، ۱۳۹۰ش. موسوی، صادق، تمام نهج البلاغه، تهران، مؤسسه امام صاحب‌الزمان، ۱۳۷۶ش.

نعمتی، مسیح‌الله؛ کامیابی گل، عطیه؛ امینی، حیدرعلی، «بررسی قدرت و ایدئولوژی در نهج البلاغه با رویکرد گفتمان انتقادی فرکلاف»، دومین کنگره بین‌المللی فرهنگ و اندیشه دینی، ۱۳۹۴ش.

ولسوی، علی‌محمد؛ بیک، هانیه، «صورت‌بندی گفتمانی خطبه ۲۱۶ نهج البلاغه (بازتولید نظریه بقا و زوال حاکمیت از منظر امام علی (ع))» پژوهشنامه علوم سیاسی، ۱۳۹۵ش، سال ۱۱، ش ۴، پیاپی ۴۴، صص ۲۰۵-۲۳۴.

هاشمی‌خویی، میرزا حبیب‌الله، منهاج‌البراعه فی شرح نهج البلاغه، ترجمه: حسن حسن‌زاده آملی و محمدباقر کمره‌ای، تهران، مکتبه‌الاسلامیه، بی‌تا.

یورگسن، ماریان، فلیس، لوییز، نظریه و روش در تحلیل گفتمان، ترجمه: هادی جلیلی، تهران، نشر نی، ۱۳۸۹ش.